

مبارزه شروع میشود

مخالفان سنگر هار ا خالی کرده عقب نشینی میکنند

✽ مبارزه با قرآن برای مخالفان يك امر حیاتی بود !
✽ از کجا که مانند قرآن نیاورده اند ؟

از بحثهای گذشته دو نکته قابل توجه استفاده شد :

۱- قرآن بالحن فوق العاده قاطعی مخالفان خود را بمبارزه دعوت کرده و با صراحت کامل بآنها میگوید :

« اگر معتقدید این «آیات» ساخته مغز بشر است ، شما هم بشرید ، مغز دارید و فکر دارید ، نوابغ و دانشمندان دارید ، گویندگان و سخن سرایان و نکته سنجان در میان شما فراوانند . اگر در این ادعا صادق هستید شما هم آیاتی همانند این آیات بیاورید .
طرز بیان قرآن در این «دعوت بمبارزه» توأم با انواع تعبیرات تحریک آمیزی است که ممکن است در روحیه مخالفان تأثیر کند و آنها را بمیدان مبارزه بکشاند .
۲- این مبارزه موضوع ساده ای نبود .

از طرفی ناگزیر بودند در آن شرکت کنند ، زیرا اقدم نگذااردن باین میدان باشکست کامل آنها مساوی بود . بنا بر این چاره ای جز این نداشتند که در این مبارزه شرکت کنند .
از طرف دیگر این مبارزه تنها يك مبارزه «ادبی» یا «مذهبی» نبود ، يك مبارزه سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی همه جانبه محسوب میشد که همه چیز حتی « موجودیت » آنها در گرو آن بود .

این مبارزه يك مبارزه حیاتی بود که مسیرو سرنوشت زندگی و مرگ آنها را روشن میساخت

چرا ؟

برای اینکه زمامداران و پیشوایان آن محیط بر ملتی حکومت میکردند که بت و بتخانه در تمام شوون زندگی آنها نفوذ عمیق داشت ، و مسلماً کسانی که بر آنها حکومت داشتند روی هیچ حسابی نمیتوانستند در برابر حملاتی که اساس بت و بتخانه را واژگون میکرد آرام بنشینند .

آنها بر ملتی حکومت میکردند که نادان و بیسواد بودند ، و میبایست در این نادانی بمانند ، تادر برابر بزرگان قبائل تا سرحد پرستش خضوع کنند ، و آنها را همچون بتهای سنگی و چوبی پرستند ! .

آنها بر ملتی حکومت میکردند که بتنام معنی پراکنده بودند و اگر متحد میشدند مسلماً آنها نمیتوانستند آنهمه خون ایشانرا بکنند ، و با آنان همچون بردگان رفتار نمایند . در مقابل ، اسلام دین آزادی بود ، امتیازات موهوم و ساختگی شیوخ و زمامداران ستمگر را درهم میکوبید ، و بشر و تمندان مفروری که خیال میکردند ثروت آنها نشانه عظمت واقعی و قرب آنها در پیشگاه خداست میفهمانید که شخصیت تنهادر سایه تقوی و ارزشهای انسانی است (۱) .

قرآن با هر گونه معبودی جز خداوند یگانه ، آفریدگار جهان پهناور هستی ، مبارزه میکرد و پرستش و عبودیت را فقط برای خدا میدانست .

قرآن آنهمه خدایان ساختگی و آن خدایان بشری (شیوخ و اشراف زورمند و ستمگر) را از آن تخت ابهت خیالی پائین میکشید .

قرآن دعوت بعلم و دانش میکرد ، چشم و گوشها را بازمینمود و دلها را بهم پیوند میداد و با بردگی و اسارت بشر میجنگید ، و حتی نقشه وسیعی برای آزادی بردگان طرح کرده بود .

بدیهی است این برنامه اساس زندگی مخالفان را درهم میریخت ، لذا آنها ناگزیر بودند تا آخرین نفس با این آئین جدید مبارزه کنند .

۱ - قابل توجه اینکه ثروتمندان «مکه» هنگامیکه شنیدند «محمد یتیم» ! خود را

پیامبر بزرگ خدا معرفی میکند از روی تعجب گفتند: **لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم** «چرا این قرآن بر یکی از شخصیتهای مکه و طائف (یکی از ثروتمندان و شیوخ قبائل) نازل نشده است ؟ ! ...

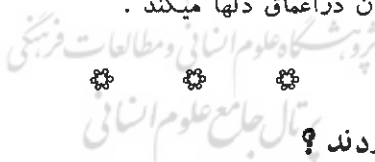
آنها بارها انجمنهایی تشکیل دادند، سخنرانیهای پر جوش و تحریر آمیزی کردند و سخنسرایان و گویندگان خود را بمبارزه باقرآن تشویق نمودند و قول همه گونه مساعدت بآنها دادند .

از بزرگان وریش سفیدان دنیا دیده و باهوشی مانند «ولید بن مغیره مخزومی» نظرخواستند ، حتی برای تحقیق و تفحص بیشتر او را نزد پیامبر اسلام (ص) فرستادند تا آخرین نظریه خود را درباره چگونگی این آیات عجیب که نفوذ خارق العاده اش آنها را بوحشت انداخته بود اعلام دارد که بعداً سرگذشت او را مشروحاً خواهیم دانست . ولی از هیچیک از اینها نتیجه ای نگرفتند .

تنها جواب آنها برای اسکات توده مردمیکه هر زمان بآنها فشار میآوردند و از آنها میخواستند پاسخ این گفتار منطقی پیامبر اسلام (ص) را بدهند که بآنها میگفت : « اگر راست میگوئید این آیات از طرف خدا نیست مانند آنرا بیاورید » این بود :

« این آیات سحراست ، و محمد ساحر چیره دستی است ، و میخواهد با سحر خود آئین نیاکان شمارا بخطر بیاندازد ، از او دوری کنید ، از او فاصله بگیرید ... » ! اماروشن است اینگونه سخنان جز ناکامی و شکست و تخلیه کردن سنگرها و عقب نشینی مفهومی نداشت !

ولی بعداً خواهیم دانست همین انتخاب تمبیر سحر چه اندازه پر معنی است و حکایت از نفوذ خارق العاده آیات قرآن در اعماق دلها میکند .



از کجا که نیاورند ؟

در اینجا ممکن است کسی بگوید :

ما از کجا بدانیم کسانی بمعارضه با قرآن برخاستند و مانند آنرا نیاورند ؟ شاید برخاسته اند و آیاتی همچون آیات قرآن آورده اند ولی در لابلای تاریخ گذشتگان ، مانند بسیاری از حوادث دیگر ، مدفون شده ، و با مسلمانان متعصب در محو آن کوشیده اند ؟ !

گرچه پاسخ این سؤال برای کسانی که اطلاعاتی از تاریخ اسلام و وضع مخالفان و دشمنان اسلام دارند روشن است ، اما قطع نظر از این قسمت اگر جهات زیر را کاملاً مورد توجه قرار دهیم خواهیم دانست این احتمال يك احتمال محال و غیر ممکن است .

۱ - هم در زمان پیغمبر اسلام (ص) و هم بعد از رحلت آن حضرت در داخل کشور های

اسلامی ، حتی در خودمکه و مدینه مسیحیان و یهودیان سرسخت و متمصبی میزیستند که برای تضعیف مسلمانان از هر فرصتی استفاده میکردند ، و طبق مدارکی که در دست است باهم مسلکان خود در خارج ممالک اسلامی نیز روابط نزدیکی داشتند .

اگر راستی کسی بمعارضه باقرآن برخاسته بود و کتابی همانند قرآن آورده بود آنها بهر قیمتی بود حتماً آنرا حفظ میکردند و بخارج نیز میفرستادند ، و غیرمسلمانان در تواریخ خود نام و مشخصات آورنده آنرا ضبط مینمودند .

بعلاوه بگواهی تواریخ اسلامی و تاریخهایی که غیرمسلمانان نگاشته اند همیشه در میان مسلمانان جمعی « مسلمان نما » که قرآن مجید آنها را « منافق » نام نهاده زندگی میکردند ، که ضمناً رل جاسوسی بیگانگان را نیز بعهده داشتند .

(مانند آنچه درباره ابوعامر راهب نصرانی و همدستان او از منافقان مدینه و چگونگی ارتباط آنها با امپراطور روم در تواریخ نقل شده که منتهی بساختن مسجد ضرار در مدینه شد و آن داستان عجیبی را که قرآن مجید در سوره « براءت » بآن اشاره کرده است بوجود آورد) مسلماً این دسته از منافقان که نقش ستون پنجم بیگانگان را در پایتخت اسلام داشتند بدقت مراقب اوضاع مسلمین بودند ، و از هر جریانی که بسود بیگانگان و بزبان مسلمانان بود استقبال میکردند .

بطور قطع اگر آنها دست بچنین کتابی یافته بودند آنرا حفظ و نگاهداری مینمودند و محال بود چنین موضوع مهمی چه در زمان پیغمبر و چه بعد از او از چشم تاریخ پنهان گردد ، بلکه اگر مطلب کوچکی که يك در هزار احتمال بهره برداری از آن در برابر قرآن وجود داشت بدست آنها میافتاد ، همه گونه تبلیغات روی آن میکردند .

احتمال چنین چیزی در زمانهای بعد از پیامبر که اسلام توسعه یافته و رفت و آمد بیگانگان در ممالک اسلامی زیادتر شده بود بسیار بعید تر بنظر میرسد .

۲ - قرآن در آیات متعدد - هم درمکه هم در مدینه - تحدی و دعوت بمبارزه کرده است . باور کردنی نیست که مخالفان اسلام با قرن مبارزه کرده باشند و باز پیامبر اسلام (ص) آنرا نادیده گرفته باشد و باز هم دعوت خود را تکرار کند .

اگر او هم نادیده میگرفت تازه مسلمانانی که در کوچکترین مسائل ایراد میگرفتند و توضیح میخواستند نادیده نمیگرفتند و پیامبر را در فشار میگذاردند لاقلاً در برابر معارضه بمثل مخالفان توضیحی بدهد . با اینکه در هیچیک از تاریخهای اسلامی و غیر اسلامی چنین چیزی

دیده نمیشود که مسلمانان چنان توضیحی از پیغمبر اسلام (ص) خواسته باشند .
 ۳ - در زمان ما و اعصار نزدیک بمادستگاههای تبلیغاتی کلیسا و سایر مخالفان اسلام در سراسر جهان تبلیغات وسیع و دامنه داری علیه مسلمانان میکنند ، زیرا خطرناکترین و سرسخت ترین رقیب خود را اسلام با آن آئین جامع و وسیع جهانی ، تشخیص داده اند (البته در این تشخیص هم اشتباه نکرده اند) .

آنها بودجه های هنگفتی در اختیار دارند ، و بدوردست ترین نقاط جهان مبلغ میفرستند ، کتابهای تبلیغاتی آنها همه جا (حتی کشور ما را !) پر کرده است .
 آنها نویسندگان توانای مسیحی عربی الاصل در اختیار دارند ، میتوانند با بودجه های هنگفت افراد دیگری را نیز اجیر کنند .

مسلماناً اگر آنها میتوانستند آیاتی بیاورند که با آیات قرآن رقابت کند میآوردند ، زیرا در این صورت سنگر بزرگی را فتح کرده بودند ، و یک وسیله مؤثر تبلیغی بچنگ آنها میافتاد ، بلکه مسلمانان را خلع سلاح میکردند !
 اما نیاوردند ، چون نمیتوانستند ، و نخواهند توانست ...

(بقیه این بحث در شماره آینده)

بزرگوار کیست؟

علی علیه السلام میفرماید :

❦ لا یتحق اسم الکریم الا لمن بدأ بنواله قبل سؤاله :

نام کریم و بزرگوارى تنها شایسته کسی است که پیش از

در خواست دیگران بخشش کند !

❦ لا فخر فی المال الا مع الجود :

مال و ثروت برای کسیکه بخشش نمیکند افتخاری نیست !

«فخر بالحکم»